

گزارش

چرخش بزرگ در قفقاز جنوبی و نگرانی در تهران

رئیس‌جمهور ایالات متحده، دونالد ترامپ، میزبان نخست‌وزیر ارمنستان، نیکول پاشینیان، و رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان، الهام علی‌اف، در کاخ سفید بود تا توافق صلح را امضاکنند. این دو رهبر یک توافق نامه چارچوبی امضا کردند و هم‌زمان، ارمنستان و آمریکا یک سرمایه‌گذاری مشترک را آغاز کردند که حقوق انحصاری توسعه تجاری آمریکا را برای یک مسیر ۴۳ کیلومتری در منطقه سیونیک در جنوب ارمنستان فراهم می‌کند. این مسیر زمینی از خاک ارمنستان عبور کرده و سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان را به نخجوان و ترکیه متصل می‌کند؛ مسیری که تاکنون یکی از اصلی‌ترین نقاط اختلاف در مذاکرات بوده است. اینکه آیا این توافق به منطقه‌ای صلح‌آمیزتر، باثبات‌تر و شکوفاتر در قفقاز جنوبی منجر خواهد شد یا خیر، پرسشی است که هنوز پاسخی قطعی ندارد.

خشم مسکو

جمهوری آذربایجان پس از برافروختن دوباره درگیری‌ها در قالب جنگ شش‌هفته‌ای بر سر منطقه مورد مناقشه قره‌باغ در اواخر سال ۲۰۲۰، با اعتماد به نفس و موضعی قاطع‌تر و جسورانه‌تر ظاهر شد. با تکیه بر تحولات جهانی پس از آن، باکو مکرراً رویکردی حداکثری و همراه با فشار قهری بر ارمنستان در پیش گرفت. وضعیت زمانی پیچیده‌تر شد که دولت ارمنستان و بخشی از جامعه این کشور در این دوره به‌طور فزاینده‌ای از روسیه، متحد ظاهری خود، ناخشنود شدند. این بحران در روابط زمانی تشدید شد که مسکو عمدتاً در برابر تشدیدهای نظامی بعدی آذربایجان چه در داخل خاک به رسمیت شناخته‌شده ارمنستان (که حدود ۸۰ مایل مربع آن هنوز در اشغال است) و چه علیه قره‌باغ مفعل ماند؛ حملاتی که در نهایت به اخراج بیش از ۱۰۰ هزار ارمنی ساکن قره‌باغ در سپتامبر ۲۰۲۳ منجر شد. ناکامی‌های اولیه روسیه در اوکراین و کاهش چشمگیر روابط تجاری و انرژی آن با اتحادیه اروپا به دلیل تحریم‌ها، باعث شد مسکو بیش از پیش به جمهوری آذربایجان و ترکیه وابسته شود. این وابستگی به شکل ناتوانی یا بی‌میلی برای جلوگیری از فشارهای خشنونت‌آمیز علیه ارمنستان یا محکوم کردن علنی اقدامات آذربایجان خود را نشان داد و ناراضیاتی ایران را برانگیخت. چرخش بعدی ارمنستان به سمت غرب، واکنش‌های تندى از باز برخی محافل در روسیه برانگیخت. تلاش ارمنستان (و آذربایجان) برای کنار گذاشتن نقش روسیه در مسیر ترانزیتی یادشده، روابط دو کشور را بیش از پیش متشنج کرد. با این حال، در حالی که ایران و مسکو وارد مجادلات لفظی و انتقادهای علنی شده‌اند، هر دو طرف همچنان مراقب‌اند که از خطوط قرمز روابطشان عبور نکنند. ارمنستان همچنان عضو رسمی سازمان پیمان امنیت جمعی و اتحادیه اقتصادی اوراسیا است و حتی تعداد خود با روسیه را افزایش داده است. از سوى دیگر، مسکو هیچ اقدام تلافی‌جویانه عمده‌ای علیه اقتصاد ارمنستانکه به شدت به روسیه وابسته است، انجام نداده و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، نیز در اظهارنظرهایش درباره ارمنستان و پاشینیان خویشتنداری کرده است. روسیه که ایران در تلاش است از وابستگی حیاتی خود به روسیه، به‌ویژه در حوزه انرژی و تجارت فاصله گرفته و آن را کاهش دهد، گزینه‌های اندکی جز اتخاذ سیاستی برای ششودن مرز با ترکیه و ایجاد روابط تجاری مستقیم با آنکارا باقی می‌ماند.

ایران و اسرائیل

برای ایران، که به‌ا‌ر دو کشور ارمنستان و آذربایجان در شمال غرب هم‌مرز است، هرگونه طرح فرامرزی در منطقه سیونیک ارمنستان یک خط قرمز روشن محسوب می‌شود. اواخر ژوئیه، علی‌اکبر ولایتی، مشاور عالی امور بین‌الملل رهبری، اظهارات تندی درباره این موضوع و احتمال دخالت آمریکا بیان کرد. او گفت: «هدف اصلی، تضعیف محور مقاومت، قطع ارتباط ایران با قفقاز و اعمال محاصره زمینی علیه ایران و روسیه در جنوب منطقه است.» ولایتی افزود: «این پروژه بخشی از راهبرد آمریکا برای انتقال فشارها از اوکراین به قفقاز است و از سوى ناتو و برخی جریان‌های پان‌ترکیستی نیز حمایت می‌شود.» با این حال، سخنگوی وزارت خارجه ایران اخیراً لحنی عملگرایانه‌تر در این باره اتخاذ کرده است. نگرانی ویژه ایران، روابط رو به گسترش جمهوری آذربایجان با اسرائیل است. تلاش‌های قابل توجهی در واشنگتن، تل‌آویو و باکو برای پیوستن این کشور شیعه‌نشین به توافق نامه‌های ابراهیم در جریان است. «استیو ویتکاف»، فرستاده ویژه ترامپ، در اواسط مارس سفری بی‌سروصدا به باکو داشت تا در این باره با مقامات کشور گفت‌وگو کند. طبق گزارش اخیر رویترز، آمریکا مناقشه آذربایجان با ارمنستان را «مانع اصلی» می‌داند و بر این باور است که توافق صلح باید «پیش شرط» پیوستن به این توافق نامه‌ها باشد. با این حال، روابط آذربایجان و اسرائیل در جهان اسلام هم‌اکنون از پیشرفته‌ترین روابط محسوب می‌شود. این روابط که سال‌ها تقریباً پنهان مانده بود، پس از حمله باکو در سال ۲۰۲۰ آشکار شد و نشان داد که بخش بزرگی از تسلیحات آذربایجان ساخت اسرائیل است. همچنین ادعاهای تایید نشده‌ای وجود دارد که اسرائیل از خاک آذربایجان، به‌ویژه در نزدیکی مرز جنوبی این کشور با ایران، عملیات اطلاعاتی انجام می‌دهد. پس از جنگ ۱۲ روزه ماه ژوئن، تهران از باکو خواست تا گزارش‌ها درباره استفاده پهپاد‌های اسرائیلی از حریم هوایی آذربایجان را بررسی کند؛ ادعایی که با یک به‌شدت تکذیب کرده‌اند. در حالی که ایران در وضعیت جدیدی قرار دارد و برای جنگ احتمالی آینده آماده می‌شود و روسیه همچنان بر اوکراین متمرکز است، به نظر می‌رسد آمریکا ترکیه این وضعیت را فرصتی برای تقویت نفوذ و پیشبرد منافع خود در قفقاز جنوبی می‌داند. با این حال، دو پرسش کلیدی باقی می‌ماند: آیا افزایش حضور آمریکا و ترکیه در منطقه باعث تشدید یا کاهش تنش‌های گسترده‌تر خواهد شد؟ و تعهد آمریکا به قفقاز جنوبی در دولت کنونی تا چه اندازه پایدار است؟ آنچه تحولات جاری به‌وضوح نشان می‌دهند این است که نبرد تازه برای قفقاز تازه در حال داغ شدن است.

آرمان ملی

بهمن آرمان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

پنل‌های خورشیدی مشکلی را حل نمی‌کند



بحران انرژی ریشه در عدم توجه به دیدگاه‌های کارشناسان دارد

بحران انرژی با پنل‌های خورشیدی حل نمی‌شود



آرمان ملی – احسان انصاری: بحران انرژی پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای از جمله کاهش تولید صنعتی، افزایش تورم و آسیب به بخش‌های حیاتی مانند پتروشیمی و سیمان دارد. همچنین وابستگی به درآمدهای نفتی و نوسانات قیمت انرژی اقتصاد را در برابر شوک‌ها آسیب‌پذیر می‌کند. ازسوی دیگر کمبود انرژی و به ویژه برق و گاز تولید در صنایع مختلف را به شدت مختل می‌کند. این امر به کاهش تولید افزایش هزینه‌های تولید و در نهایت کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود. در شرایط کنونی کشور با بحران انرژی مواجه است که پیامدهای اقتصادی برای زندگی مردم خواهد داشت. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی بحران انرژی در کشور با دکتر بهمن آرمان اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. آرمان در این زمینه معتقد است: «برخی کارشناسان که از فیلترهای وزارت اطلاعات

مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی بحران انرژی در ایران چیست؟

واقعیت این است که پیامدهای اقتصادی وضعیتی که امروز برای انرژی کشور رخ داده آشکار است و دیر یا زود خود را نشان خواهد داد. امروز کار مردم به جایی رسیده که اگر کسی برای مداوا به پزشک و یا دندانپزشک نیز مراجعه می‌کند از این موضوع هراس دارد که آیا برق می‌رود یا خیر. اینکه ما فکر کنیم به صورت ناگهانی و به صورت تصادفی وارد چنین وضعیتی شده‌ایم نیز صحیح نیست. سوء مدیریت، عدم توجه به دیدگاه کارشناسان و متخصصان و عدم آینده‌نگری از جمله مهم‌ترین دلایلی است که در شرایط کنونی برای کشور بحران انرژی به وجود آورده است. پس از دولت‌های آقای هاشمی و خاتمی که دولت آقای احمدی‌نژاد روی کار آمد ایشان عنوان کردند که من خودم کارشناس هستم و با چه همین دلیل نیاز به کارشناس ندارم. در چنین شرایطی بود که برخی کارشناسان که از فیلترهای وزارت اطلاعات عبور کرده بودند و در مراکز تصمیم‌گیری قرار داشتند کنار گذاشته شدند و به جای آنها در مواردی افرادی کوچک و نامناسب جایگزین آنها شدند. نتیجه این وضعیت این بود که بسیاری از تالاب‌ها و رودخانه‌های کشور خشک شدند و از سوی دیگر سدهای کشور خالی شدند و به‌رغم اینکه نزدیک به ۹۰ درصد آب کشور در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما ما امروز در این زمینه نیز وارد کننده هستیم. بدون تردید اگر کشاورزی ما مدرن می‌شد و ناچار نبود از روش‌های سنتی و پرهزینه استفاده کند، شاید وضعیت به این نقطه نمی‌رسید. من نمی‌دانم آیا مسئولان کشور به این موضوع فکر کرده‌اند که اگر به جای اینکه نفت ایران را تحریم کنند، مانع ورود کالاهای اساسی به ایران می‌شدند، تکلیف مردم چه می‌شد و با چه مشکلاتی مواجه می‌شدند؟ امروز ایران به جایی رسیده که سالانه مبلغ ۱۰ میلیون دلار عدس وارد می‌کند. این در حالی است که مادر گذشته به دلیل شرایط آب و هوایی که در کشور داشتیم در زمینه حبوبات نه تنها وارد کننده نبودیم و بلکه صادر کننده هم بودیم.

چرا دولت‌ها در عین حالی که می‌دانستند ممکن است با چنین وضعیتی در زمینه انرژی و آب مواجه شویم به دیدگاه کارشناسان توجه نکردند؟ آیا اولویت‌های سیاسی جای اولویت‌های تخصصی را گرفته بود؟

فامیل‌گرایی و استفاده از کسانی که فاقد تجربه و دانش کافی بوده و از انگیزه کافی برای توسعه کشور برخوردار نیستند از جمله مهم‌ترین دلایل تشدید بحران انرژی در کشور است. امروز به اندازه دلایل و ریشه‌های این بحران برای مردم ایران مشخص است که نیاز به این نیست که دیگران حرفی درباره وضعیت تبدیل کشتزارها به بیابان عنوان کنند و گفته شود که مثلاً در فلان کشور بیابان‌زدایی صورت می‌گیرد. دریاچه ارومیه رانبروهای غیبی خشک نکردند، بلکه مدیران تالابیی و بی‌سواد گفت‌وگو کردند. کارشناسان سوتیسی که روی رودخانه‌های شمال ایران مطالعه انجام دادند برای حوزه

فامیل‌گرایی و استفاده از کسانی که فاقد تجربه و دانش کافی بوده و از انگیزه کافی برای توسعه کشور برخوردار نیستند از جمله مهم‌ترین دلایل تشدید بحران انرژی در کشور است

آبریز دریاچه ارومیه ۱۲۰ هزار هکتار گیاه با مصرف کم آب در نظر گرفتند. این در حالی است که در شرایط کنونی در حدود ۶۰۰ هزار هکتار گیاه با مصرف بالای آب مانند درختان میوه، سیب و... در این منطقه کشت می‌شود. از سوی دیگر خشک شدن زاینده‌رود در اصفهان به دلیل وجود کارخانه‌های فولادسازی و صنعتی در این منطقه نیست. به صورت کلی مصرف برق صنایع در کشور در حدود ۶۱ درصد است. دلیل اصلی خشک شدن زاینده‌رود این است که در بالادست هر کسی هر کاری دوست داشته انجام داده و با حفر چاه و کاشت درخت باعث خشک شدن زاینده‌رود شده است. در واقع مشکل کشور در بی‌ای نیست و بلکه مشکل در سوء مدیریت منابع آبی است. ایران از دو طرف به دریا راه دارد. این در حالی است که در کشوری مانند عربستان در حدود ۲ میلیارد مترمکعب آب دریا را شیرین می‌کنند و به وسیله آن صحرا را به جنگل‌های دست‌ساز تبدیل می‌کنند. شرایط به شکلی است که فضای سبزی که امروز در دوبی وجود دارد در تهران و دیگر شهرهای بزرگ ما هم دیده نمی‌شود.

آیا تصمیماتی که برای مهار و کنترل بحران انرژی گرفته شده را در مدیریت بحران موثر می‌دانید و یا فکر می‌کنید بحران در وضعیتی قرار دارد که در آینده تشدید خواهد شد؟

بحران انرژی در کشور به دلیل سوء مدیریت و اگر بدبینانه نگاه کنیم به دلیل حضور افراد نفوذی بوده که به دنبال ویرانی کشور بوده‌اند. به همین دلیل نیز نهاد‌های نظارتی و امنیتی باید با جدیت بیشتری ریشه‌های مدیریتی این بحران را

دلیل اصلی خشک شدن زاینده‌رود این است که در بالادست هر کسی هر کاری دوست داشته انجام داده و با حفر چاه و کاشت درخت باعث خشک شدن زاینده‌رود شده است

غلامعلی جعفرزاده‌ایمن آبادی:

جلیلی بازنشسته شود تا مردم رنگ آرامش ببینند

به ساحل امن برسد. او با کنایه به مخالفان تندرو لاریجانی گفت: «بوی حلوای تندروها به مشام می‌رسد. امیدوارم آنها شرایط بحرانی کشور را درک کنند و به جای کارشکنی، در کنار نظام بایستند تا کشور به نقطه‌ای از پیشرفت برسد که آرزوی همه است.» جعفرزاده در پاسخ به پرسشی درباره حضور همزمان سعید جلیلی در شورای عالی امنیت ملی تصریح کرد: تقاضا دارم آقای جلیلی کم‌کم بازنشسته شود. تئوری‌های او شکست خورده و با جمهوری اسلامی همسوز نیست. او با مردم ارتباط ندارد و همین فاصله باعث شکست همبستگی اش در انتخابات شده است. وقتی مردم شما را قبول ندارند، بهتر است کناری بنشینید تا مردم رنگ آرامش را ببینند.

خدمت می‌خواهند، نه اینکه بعد از ۴۶ سال به آنها بگویم آب و برق نداریم. این فعال سیاسی افزود: آقای لاریجانی می‌تواند سران قوا و فرماندهان را هماهنگ کند. مجلس نباید امنیت و انسجام ملی را بهم بزند. مصوباتی مانند حجاب و فیلترینگ انسجام ملی و امنیت کشور را خدشه دار می‌کنند. لاریجانی باید تک‌روی‌ها را کنار بزند و کشور را به مسیر اصلی برگرداند. جعفرزاده با بیان اینکه عملکرد گذشته لاریجانی گواه خوبی برای توانمند بودن او است، گفت: نگاه کنید ببینید اندیشکده‌های غربی درباره او چه می‌گویند، او در غرب به عنوان فردی متفکر، اندیشمند و اهل گفت‌وگو شناخته می‌شود که می‌تواند کمک کند تا کشتی جمهوری اسلامی

یادداشت

در ضرورت نوسازی رسانه‌ای نظام

محمد محمودی



دیر سابق پایگاه

اطلاع‌رسانی آیت‌ا... هاشمی

یکی از سوالات مهم این روزها شاید این باشد که آیا زمان نوسازی رسانه‌ای نظام فرا رسیده یا قرار است رسانه‌های نظام همچنان با محور غالب و سلبی به راه خود ادامه دهند؟ پاسخ من به عنوان کسی که یک تجربه نوسازی رسانه‌ای مهم و دشوار را تجربه کرده‌ام، این است:

۱- نظام رسانه‌ای کشور امروز به شکل لجام گسیخته‌ای، سلبی شده است. گویی در «غرب تبیین»، فقدان اندیشی دینی و عزلت منطق و ایجاب، اکثریت ما تبدیل به گرگ‌های رسانه‌ای سلبی شدیم و تا هر روز کسی را به هر بهانه‌ای در فضای مجازی، پاره پاره نکنیم، آرام نمی‌گیریم.

صغیر و کبیر هم برایمان فرقی نمی‌کند. رای هم که می‌دهیم آنقدر زود از رای خود پشیمان می‌شویم، که شاید هاشمی هم اگر امروز زنده بود و نماز جمعه‌ای می‌خواند که مطابق مزاج مجازی امروز ما نبود، کاریکارتر الاغ بر عکس هاشمی را هم می‌دیدیم! کاری که البته قبلاً در حق هاشمی، به تمام و کمال انجام شده بود و تکرار آموزش، خیلی دشوار نبود!

۲- مهم‌ترین دلیلی که اسلبی ما را تبدیل به گرگ‌های رسانه‌ای سلبی کرده، خوشه‌های خشمی است که محور سلبی «شرعتمداری، پایداری، رسانه‌ملی» در طی سالیانی مدید در قلب آحاد مردم، کاشته و می‌کارند.

همان مردمی که با مشارکت خیره‌کننده در انتخابات خبرگان رهبری سال ۹۴، تمام رکورد‌های مشارکت ملی در انتخابات‌های خبرگان را شکستند ولی در نهایت این محور سلبی بود که قریب سه میلیون تهرانی را مفتخر به دریافت نشان «اهل کوفه» کرد تا فقط چند سال بعد از این عملیات سلبی علیه تهرانی‌های اهل کوفه، نظام بماند و تبعات برگزاری یک انتخابات ۸ درصدی در انتخابات مجلس دوازدهم!

البته از این دست مثال‌ها فراوان است و حوصله باخوانی‌های آنها اندک! ولی اگر فقط اهانث در سال ۹۹ را به‌ساحت مرجعیت عالیشدر بپردازیم حضرت آیت‌ا... سیستانی را هم به آن اضافه کنیم، متوجه می‌شویم که عدم نوسازی رسانه‌ای نظام، چه تبعات هولناکی را برای آینده نظام و ایران خواهد داشت!

۳- اگر ضرورت نوسازی رسانه‌ای نظام را بپذیریم، مسأله این است که از کجا و چگونه باید شروع کرد؟ از دید نگارنده اگر اقداماتی نظیر «برچیدن تصنع مقابل مجلس»، «عدم اجرای قانون عفاف و حجاب» و بیان عاشورایی «ای یک دیارادایم شیفت» رسانه‌ای در کلان گفتنار رسانه‌ای نظام بدانیم، قبل از هر اقدامی باید راهبرد جدید «حفظ ایران از اوجب واجبات است» را پذیرفت و به عنوان شاخص نوسازی نظام از آن بهره گرفت.

۴- در تحقق حداکثری انسجام ملی بر مبنای راهبرد جدید «حفظ ایران از اوجب واجبات است»، آنچه بیش از هر اقدامی لازم است، یک حرکت ابتکارگانه از سوی محور سلبی برای کناره‌گیری است. نوشتن ابتکارهایی چون پیشنهادم از سر نصیحت نیست و از روی تمنا است.

تمنا از کسانی که هرچند شاید «هم عقیده» نباشیم ولی انصاف هم نیست که از سال‌ها تلاش آنها به سادگی گذشت ولی چه باید کرد؟ نه مسافنه خیلی از تحولات پیرامون ایران و جهان جامانده و همچون سربازی از یک دوران سیری شده، نه تنها امکان هیچ‌گونه تغییری در خود را نمی‌دهند، بلکه با هر تغییری هم برای فردای ایران می‌جنگند! تمنای نگارنده از اعضای اصلی محور ضد انسجام ملی این است که صادقانه از خود بپرسند، که آیا نظام با آنها، انسجام ملی بیشتری دارد یا بدون آنها؟ صریح‌تر بگویم اگر روشن شود کناره‌گیری داوطلبانه و احتمالی این ۴ نفر به تقویت انسجام ۴۰ میلیونی در کشور می‌انجامد، آیا آنها حجت شرعی برای ادامه کار خود خواهند داشت؟ البته که آن‌ها معمولاً در این مواقع، خود را پشت رهبری پنهان کرده و کنار رفتن خود را معادل تضعیف نظام القا می‌کنند تا هزینه کنار گذاشتن خود را بالا ببرند، ولی اصل ماجرا این نیست و از خود گذشتن به خاطر فردای ایران، اخلاص و «سلامت نفس» فراوانی می‌خواهد که شاید در این شخصیت‌ها نباشد و به همین دلیل ترجیح می‌دهند «نوسازی رسانه‌ای نظام» را فدای ماندن خود کنند نه بالعکس! درست شبیه ابیات ماندگار بیدل دهلوی که فرمود:

هرچه دارد عالم اخلاق بی‌ایثار نیست/ دست بسیار است اگر از آستین بیرون کنی! والاعاقه للمتعین.